

## **Methodology as a Model of Method Analysis:**

### **A Review and Critique on the Book *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Sciences Research***

**Elham Ebrahimi\***

#### **Abstract**

Familiarity with research methodology is a requirement for any research project. What is seen in most works of writing or translating is a mere focus on teaching one or more research methods. The *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Sciences Research* has a different approach and has been written by pursuing the three goals of explaining philosophical tendencies, methodological formulation, and method, and finally the application of mixed research. This distinction, which makes the book stand out from other works in the field, was the reason it was chosen for critique. The Persian translation of the book, by Tashakkori and Teddlie was investigated based on the evaluation criteria of the Council for Reviewing Books and Texts on Human Sciences in two areas of structural and content criticism. The main strengths of the book are, focusing on the four bases of research paradigms i.e., ontology, epistemology, axiology, and strictly methodology of mixed research, multiplicity, and diversity of views and using the pioneers in the field of research methods in writing chapters and also providing primary valid sources, examples and case studies. At the same time, the effect has points for improvement, the most important of which are the overlap in the content of some chapters, the naming and arrangement of chapters, and the literal translation of some sentences.

**Keywords:** Content Critique, Method, Methodology, Mixed Research, Structural Critique.

\* Faculty Member, Management Faculty, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran,  
e.ebrahimi@ihcs.ac.ir

Date received: 23/01/2023, Date of acceptance: 29/04/2023





## روش‌شناسی به مثابه الگوی تحلیل روش:

### نقد و بررسی کتاب

### راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی

الهام ابراهیمی\*

#### چکیده

آشنایی با روش‌شناسی پژوهش از الزامات اجرای هر طرح پژوهشی است. آنچه در بیش‌تر آثار تألیفی یا ترجمه مشاهده می‌شود تمرکز صرف بر آموزش یک یا چند روش پژوهش است. کتاب راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی رویکرد متفاوتی دارد و با پی‌گیری اهداف سه‌گانه تبیین‌گرایی فلسفی، صورت‌بندی روش‌شناسی و روش، و در نهایت کاربرد پژوهش‌های آمیخته به‌رشته تحریر درآمده است. تمایز در هدف، که کتاب را در قیاس با دیگر آثار این حوزه برجسته می‌کند، دلیل انتخاب آن برای نقد و بررسی بود. ترجمه فارسی کتاب، اثر تشکری و تدلی، براساس معیارهای ارزیابی شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی در دو ساحت نقد ساختاری و نقد محتوایی بررسی شد. نقاط قوت اصلی کتاب تمرکز بر چهار رکن پارادایم‌های پژوهش یعنی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، ارزش‌شناسی، و مؤکداً روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته، تعدد و تنوع دیدگاه‌ها، بهره‌گیری از پیش‌گامان حوزه روش‌های پژوهش در نگارش فصول و نیز استفاده از منابع دست‌اول و معتبر، و ارائه مثال و مطالعات موردی بود. درعین حال، اثر نقاط قابل‌بهبودی دارد که از جمله موارد مهم آن می‌توان به هم‌پوشانی زیاد در محتوای برخی فصول، نام‌گذاری و نحوه چینش فصول، و ترجمه تحت‌اللفظی برخی جملات اشاره کرد.

**کلیدواژه‌ها:** پژوهش آمیخته، روش، روش‌شناسی، نقد ساختاری، نقد محتوایی.

\* عضو هیئت‌علمی گروه مدیریت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،

e.brahim@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹



## ۱. مقدمه

سه‌گانه هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، و روش‌شناسی پذیرفته‌شده‌ترین دسته‌بندی عناصر بنیادین پارادایم‌های پژوهش تلقی می‌شوند (Killam 2013). به‌صورت خاص، هستی‌شناسی در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی عبارت است از: «مفروضات رویکرد خاصی از پژوهش اجتماعی درباره ماهیت واقعیت اجتماعی». معرفت‌شناسی به این سؤال پاسخ می‌دهد که «چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت» و درنهایت روش‌شناسی عبارت است از: «نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرای پژوهش». برخلاف دو رکن ابتدایی، که عموماً شفاف و تشخیص‌دانی‌اند، در بسیاری مواقع تفاوت ماهوی میان «روش‌شناسی» (methodology) و «روش» (method) نادیده انگاشته می‌شود. در واقع، روش‌شناسی «مطالعه توصیف، تعریف، و توجیه روش‌هاست و نه خود روش» (صادقی فسایی و ناصری‌راد ۱۳۹۱). از این‌روست که روش‌شناسی را باید ابزار یا الگویی تحلیلی برای توجیه چرایی به‌کارگیری یک روش در نظر گرفت. تأثیر آگاهی از روش‌شناسی در انتخاب روش مناسب توسط پژوهش‌گران تاحدی است که انتخاب روش مناسب فقط به آگاهی از ابعاد روش‌شناختی موضوع محدود شده است (King 1994). رویکردی که کتاب *راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی* اتخاذ کرده، به‌درستی، معرفی ابعاد روش‌شناسی برای گزینش و اجرای روش‌های پژوهش آمیخته است؛ هرچند عنوان و ساختار کلی کتاب در نگاه نخست این رویکرد را به ذهن خواننده متبادر نمی‌کند. به‌عبارت‌دیگر، خواننده با مشاهده نام کتاب و فصول آن به هدف نگارندگان پی نمی‌برد و صرفاً مطالعه عمیق و تحلیل هر یک از بخش‌های سه‌گانه کتاب و نیز بررسی ارتباط میان آن‌ها می‌تواند این قصد را به خواننده منتقل کند.

غلبه روش‌های پژوهش کمی بر روش‌های کیفی، که هم‌سو با پارادایم پوزیتیویستی است، پیشینه‌ای دیرینه دارد. درعین‌حال، پارادایم تفسیری به ارجحیت روش‌های پژوهش کیفی دست‌کم در علوم انسانی و اجتماعی قائل است (دانایی‌فرد و دیگران ۱۳۹۸). در این میان، یک‌پارچه‌سازی روش‌های کمی و کیفی در قالب روش‌های پژوهش آمیخته اکتشافی، تشریحی، و به‌هم‌تنیده (بازرگان ۱۳۹۹) مفری است که، به‌زعم نویسندگان کتاب، به پژوهش‌گران علوم انسانی و اجتماعی کمک می‌کند تا به‌اصطلاح «از انزوا بیرون آیند». از این‌رو، پژوهش‌های آمیخته در این کتاب به‌عنوان جای‌گزینی برای دو روش پیش‌گفته مطمح‌نظر قرار گرفته است.

بنابراین، به‌عنوان جمع‌بندی، علل اصلی انتخاب کتاب *راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی* برای نقد و بررسی در این نوشتار را می‌توان در قالب دو

مورد برشمرد: نخست، اتخاذ رویکرد «روش‌شناسی به مثابه الگو و ابزار تحلیل و توجیه روش»، که به شکل مکنون در سراسر کتاب حاکم است؛ دوم، بی‌طرفی در مجادلات وسیعی که میان طیف‌های مختلف پژوهش‌گران دربارهٔ ارجحیت روش‌های کیفی یا کمی در قبال یکدیگر وجود دارد و با انتخاب روش‌های پژوهش آمیخته، به عنوان محور کتاب، عملاً هر دو طیف پژوهش‌ها را شامل می‌شود. ارائهٔ این مقدمه دربارهٔ چرایی و علل انتخاب این اثر برای بررسی و نقد به خوانندگان مقاله کمک می‌کند، ضمن اشراف به هدف کلی کتاب، از دیدگاه نقد براساس معیارهای ساختاری و محتوایی نیز به این اثر توجه داشته باشند.

در ادامه، مقاله به این شرح سازمان‌دهی شده است: روش‌شناسی مقاله در قالب نقد شکلی و نقد محتوایی بیان شده است. پس از آن، سرفصل‌های مقاله براساس معیارهای ارزیابی معرفی شده توسط شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی تنظیم شده است. ذیل هر سرفصل و به تناسب، ارزیابی و نقد شکلی یا محتوایی اثر ارائه شده و در نهایت در بخش نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها به ذکر نقاط قوت اثر پرداخته شده و پیش‌نهادهایی برای رفع نقاط قابل بهبود طرح شده است.

## ۲. روش‌شناسی

نقد عبارت است از: مطالعه، بحث، ارزش‌یابی، و تفسیر متن. در شیوه‌های جدید نقد، اغلب، مباحث مرتبط با روش‌ها و اهداف مدنظر قرار می‌گیرند (درودی ۱۳۸۷). یقیناً معیارمند کردن نقد آن را از دو نقص عمده می‌رهاند: نخست، سوگیری و قضاوت‌های محتمل شخصی ناقد را کاهش می‌دهد؛ دوم، فقط به تبیین کاستی‌های اثر اکتفا نمی‌کند، بلکه تلاش نقد مبتنی بر معیار آن است که نقاط قوت و وجوه قابل بهبود اثر را به صورت توأمان مطمح نظر قرار دهد.

از سوی دیگر، نقد را می‌توان از دو منظر مورد توجه قرار داد: ۱. نقد صوری، شکلی، صورت‌گرایانه، یا فرمالیستی؛ ۲. نقد ساختاری، پژوهشی، یا محتوایی (علی‌پور ۱۳۸۹؛ درودی ۱۳۹۳). گونهٔ نخست نقد به معیارهای شکلی در تنظیم متن نظیر استفاده صحیح از علائم سجاوندی، مفهوم‌بودن و ساختارمندی جملات، کاربرد صحیح تیترا و میان‌تیترا، و نگارش مناسب متن می‌پردازد. در گونهٔ دوم، معیارهای محتوایی و منطقی مانند مبانی نظری و شاکلهٔ مفهومی اثر مدنظر قرار می‌گیرد (همدانی ۱۳۹۳). در این مقاله هر دو شکل نقد مورد توجه قرار گرفته است. در نقد شکلی، عمدهٔ تمرکز بر ترجمهٔ اثر و چاپ آن توسط نشر دانشگاه تهران بود و در نقد محتوایی مضمون مطالب ارائه‌شده توسط مؤلفان مورد توجه قرار گرفت. به علاوه، از

معیارهای ارزیابی معرفی شده توسط شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی برای معیارمند کردن نقد، اجتناب از سوگیری، و ارائه نقاط قوت و قابل بهبود اثر استفاده شد.

### ۳. نقد شکلی: معرفی و ارزیابی صوری اثر

#### ۱.۳ مشخصات اثر و نویسنده

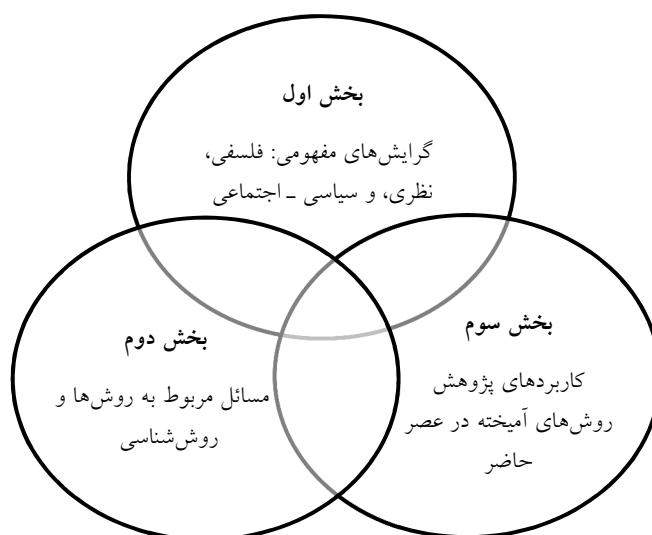
کتاب *راه‌نمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی* اثر عباس تشکری و چارلز تدلی (Charles Teddlie) با همکاری ۴۹ پژوهش‌گر متخصص و برجسته در حوزه روش‌شناسی و روش پژوهش نوشته شده است. عباس تشکری استاد روش‌شناسی تحقیق و ارزش‌یابی در دانشگاه تگزاس شمالی است که پژوهش‌های او به صورت خاص بر انواع روش‌های تحقیق متمرکز است. چارلز تدلی استاد برجسته بازنشسته دانشگاه لوئیزیانا در رشته آموزش است. نخستین بار در ۲۰۰۳ انتشارات سیج (Sage Publication) کتاب را منتشر کرد و در ۲۰۱۰ تجدیدچاپ شد. مترجم اصلی کتاب دکتر مرتضی اکبری، عضو هیئت‌علمی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، است که در حوزه روش تحقیق و نوآوری تخصص دارد. ترجمه با همکاری زهرا فزونی اردکانی، ضرغام عبدالهی‌پور، سارا جعفری، و نیلوفر مسروری انجام شده و در انتشارات دانشگاه تهران در ۱۳۹۴ به چاپ رسیده و تا سال ۱۳۹۷ سه بار تجدیدچاپ شده است. نویسندگان کتاب آثار مجزا یا مشترک متعددی با موضوع روش پژوهش در قالب کتاب و مقاله دارند. از جمله آثار مشترک آن‌ها می‌توان به کتاب‌های *مبانی پژوهش ترکیبی تلفیق رویکردهای کمی و کیفی* (Foundations of Mixed Methods Research: Integrating Quantitative and Qualitative Approaches in the Social and Behavioral Sciences) و روش‌های پژوهش آمیخته: ترکیب رویکردهای کیفی و کمی (Mixed Methodology: Combining Qualitative and Quantitative Approaches) اشاره کرد که کتاب اول به فارسی نیز ترجمه شده است. تعدد آثار مشترک این دو پژوهش‌گر در زمینه روش‌شناسی نشان می‌دهد پیوند فکری نزدیکی میان آن‌ها وجود دارد که به غنای آثار منتشر شده توسط آنان در ویراست‌های مختلف کتاب کمک شایان توجهی کرده است.

#### ۲.۳ معرفی ساختار کتاب

کتاب در قالب سه بخش و ۳۱ فصل به این شرح تنظیم شده است: فصل نخست به مرور مسائل حاضر در حوزه پژوهش روش‌های آمیخته اختصاص یافته است. پس از این مقدمه،

روش‌شناسی به‌مثابه‌ الگوی تحلیل روش: نقد و ... (الهام ابراهیمی) ۲۹۷

بخش اول با نام «مسائل مفهومی: فلسفی، نظری، و سیاسی - اجتماعی»، بخش دوم با نام «مسائل مرتبط با روش‌ها و روش‌شناسی»، و درنهایت بخش سوم با نام «کاربردهای هم‌زمان پژوهش روش‌های آمیخته» هریک شامل ده فصل ارائه شده‌اند. به‌علاوه، کتاب شامل پیش‌گفتار انگلیسی و فارسی نویسندگان، مقدمه و بیوگرافی مترجمان، قرارداد همکاری با انتشارات سیج، واژه‌نامه، معرفی ویراستاران و همکاران، فهرست اسامی انگلیسی، و نمایه نویسندگان و واژه‌هاست. هر فصل با بیان اهداف آغاز و با نتیجه‌گیری به‌پایان می‌رسد. در پایان هر فصل بخشی با نام «سوالات و تمرینات تحقیق» ارائه شده و پس از آن نیز منابع فصل به‌تفکیک آورده شده است. ساختار کتاب در قالب شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. ساختار سازمان‌دهی کتاب

درباره ساختار کتاب می‌توان به چند نکته حائز اهمیت اشاره کرد: نخست، براساس یکی از شناخته‌شده‌ترین دسته‌بندی‌ها، پارادایم‌های پژوهش در قالب سه دسته هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و روش‌شناسی (و دسته چهارمی که در برخی منابع با نام «ارزش‌شناسی» مطرح شده) قابل تفکیک‌اند (Guba and Lincoln 2005). در کتاب، با افزودن این دسته چهارم به چهار رکن پارادایم‌های پژوهش اشاره شده است؛ هرچند نویسندگان وزن بیشتری برای روش‌شناسی قائل بوده‌اند و سه رکن نخست را در قالب یک بخش موردتوجه قرار داده‌اند، رکن روش‌شناسی را در بخشی جداگانه مدنظر داشته‌اند. به‌علاوه، نویسندگان به‌درستی بر آن‌اند

که میان سه بخش کتاب هم‌پوشی قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. دوم، با وجود توضیحات تفصیلی نویسندگان در فصل اول کتاب، نام‌گذاری بخش‌های کتاب این ایده را به خواننده منتقل نمی‌کند که نویسندگان در پی واکاوی پژوهش‌های آمیخته براساس پارادایم‌های پژوهش بوده‌اند.

### ۳.۳ ویژگی‌های فنی اثر

کتاب به زبان انگلیسی ۹۱۲ صفحه و ترجمه فارسی آن ۹۰۱ صفحه است. نام کتاب بر روی جلد کاملاً مشخص است. طراحی جلد کتاب ترجمه‌شده تا حد زیادی ملهم از طراحی اثر اصلی است. کیفیت صحافی کتاب، با توجه به حجم بالای آن، مناسب است و حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی منسجمی دارد.

### ۴.۳ ویرایش ادبی

هرچند متن آثار با موضوع روش‌شناسی پژوهش، خصوصاً در فصول مربوط به پارادایم‌های پژوهش، عموماً متون پیچیده‌ای است، ترجمه کتاب به ساده‌سازی متن کمک چندانی نکرده است. در برگردان برخی از جملات مترجمان ترجمه تحت‌اللفظی انجام داده‌اند و این موضوع فهم متن را با دشواری‌هایی مواجه کرده است. از باب نمونه، جمله‌ای در فصل پنجم کتاب برای تبیین نحوه تأثیر مکتب کارکردگرایی در پژوهش‌های آمیخته به این شکل بیان شده است:

«موضع عمل‌گرایی جهت استفاده از روش‌های آمیخته و چندگانه برای ایجاد اطلاعات معنی‌دار به‌منظور پاسخ به سؤالات پژوهش موردبحث قرار می‌گیرد. این دیدگاهی شناخته‌شده‌تر و واضح‌تر از عمل‌گرایی است.»

براساس ترجمه اصلی کتاب، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که مکتب کارکردگرایی به‌عنوان یک منطق روش‌شناختی در روش‌های پژوهش آمیخته و چندگانه بر فراهم‌کردن اطلاعات برای ارائه پاسخ‌های عمل‌گرایانه به پرسش‌های پژوهش متکی است. اما، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ترجمه تحت‌اللفظی خواننده را در درک منطق موضوع با دشواری مواجه می‌کند. مشابه این ترجمه لغوی را می‌توان در پاراگراف آخر نتیجه‌گیری فصل دوازدهم مشاهده کرد:

هم‌چنان‌که با روش‌های کمی و کیفی قراردادهایی برای نوشتن و بسط سؤالات تحقیق در نمونه‌های موردتحقیق شروع به‌کار می‌کند که این اجتماعات به کار خود ادامه خواهد داد تا به‌منابۀ روش یکسان در میان محققان مورد استفاده قرار گیرد.



فهم صحیح از این پاراگراف به این شکل است که توافق بر روی نحوه نگارش و توسعه سؤالات تحقیق سبب می‌شود روشی یک‌سان در این زمینه مورداجماع محققان قرار گیرد. ترجمه تحت‌اللفظی می‌تواند خواننده را در فهم معنای اشاره‌شده سردرگم کند.

### ۵.۳ رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی

منابع اثر پس از نخستین چاپ آن در ۲۰۰۳، با توجه به تغییر و روزآمدی محتوای کتاب، به‌روز شده‌اند. منابع به تفکیک در پایان هر یک از فصول کتاب ارائه شده و در کنار آن منابع درون‌متنی نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. از این رو، پیوند میان مباحث و منابع آن‌ها کاملاً مشخص است و این موضوع می‌تواند دست‌یابی به منابع هر بخش را برای خواننده تسهیل کند. نقل‌قول‌ها با شماره صفحات منبع مربوط مشخص شده‌اند. شکل‌ها و جدول‌هایی که از مراجع دیگر استخراج شده‌اند نیز دارای منبع‌اند. شکل‌هایی که عیناً از منبع دیگری آورده شده‌اند با کسب اجازه از انتشارات مربوط درج شده‌اند (مثلاً، شکل ۲-۲). در مجموع می‌توان گفت منابع اثر معتبر و روزآمدند و امانت‌داری در ذکر مطالب به‌درستی رعایت شده است.

### ۴. نقد پژوهشی: ارزیابی محتوایی اثر

#### ۱.۴ بررسی ابعاد آموزشی اثر

کتاب با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری در مقاطع دکتری مدیریت با گرایش‌های مختلف هم‌خوانی دارد. در ادامه، فصول کتاب از منظر نقاط قوت و ویژگی‌های قابل‌بهبود بررسی می‌شود.

فصل نخست، با نام «مروری بر مسائل حاضر در حوزه پژوهش روش‌های آمیخته»، را تدلی و تشکری نوشته‌اند. در این فصل، نخست، به‌شکل تفصیلی، ساختار کتاب و منطق چیدمان فصول تبیین شده است. در ادامه، ماهیت پژوهش‌های آمیخته، چالش‌های این‌گونه پژوهش‌ها، وجه مشترک آن‌ها، سؤال‌ها، مسائل، و کاربردهای پژوهش‌های آمیخته طرح شده است. نکته نخست آن‌که عموماً ساختار و چیدمان فصول در مقدمه اثر ذکر می‌شود، نه آن‌که بخش عمده‌ای از یکی از فصول کتاب را به خود اختصاص دهد؛ خصوصاً زمانی که با دیگر سرفصل‌های آن فصل از کتاب قرابت مفهومی ندارد. نکته دوم این است که در این فصل خواننده با طیف متنوعی از مسائل، که انسجام محتوایی ندارند، مواجه است؛ به‌ویژه آن‌که در

بهترین شکل بخش اندکی از این محتوا متناسب با عنوان فصل است. نکته آخر آن که در این فصل هدف کلی کتاب «ترسیم اصول روش‌شناسی پژوهش روش‌های آمیخته» بیان شده است. درعین ارزش مندی این هدف، پرداختن به بسیاری از جزئیات خوانندگان را از نیل به این هدف بازمی‌دارد.

بخش نخست کتاب مشتمل بر ده فصل (فصل دوم تا یازدهم) با محوریت مبانی فلسفی پژوهش‌های آمیخته است. فصل دوم، با نام «نگاشت چشم‌انداز درحال توسعه پژوهش روش‌های آمیخته»، را کرسول (Creswell) نوشته است. این فصل، دربردارنده نقد نویسنده به آثار تشکری و تدلی است مبنی بر این که به مسائل گسترده درخصوص طرح پژوهش تمرکز دارند. نقد کرسول در این زمینه نقدی به‌جاست، زیرا به‌زعم آنان در سال‌های اخیر «بحث درمورد نحوه انجام یک مطالعه جزئی‌تر و تحلیلی‌تر شده است». موضوع مهم دیگری که کرسول در این فصل بر آن تمرکز کرده مجادلاتی است که درخصوص «دو‌زبانی» (bilingual) بودن پژوهش‌های آمیخته مطرح است. موضع کرسول در این فصل به بهره‌گیری از زبان سوم متمایز برای پژوهش‌های آمیخته نیاز دارد؛ زبانی که با واژگان پژوهش‌های کیفی و کمی متفاوت باشد. این موضع از زمان نگارش این کتاب تاکنون تا حدودی تثبیت شده؛ کما این که جای‌گزینی واژگانی مانند قابلیت اعتماد (trustworthiness) با اصطلاحات رایج روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی نمونه‌ای از این تغییر رویکرد است. اما آنچه کم‌تر مورد توجه قرار گرفته این است که این جای‌گزینی به سمت و سوی به‌کارگیری واژگان رایج در ساحت پژوهش‌های کیفی متمایل شده و شاید تاکنون زبان سومی در این خصوص میان پژوهش‌گران پذیرفته نشده باشد.

فصل سوم، با نام «تاریخچه مسائل نظری و فلسفی پژوهش روش‌های آمیخته»، بر مناقشات پارادایم‌های سه‌گانه کمی، کیفی، و آمیخته از دوران فلاسفه باستان تا حال حاضر متمرکز است و نظر فلاسفه و پژوهش‌گران درباره تفوق هریک از این رویکردها بر دیگری را مورد مطالعه قرار داده است. از دیگر موضوعاتی که در این فصل بررسی شده انواع مفاهیم استدلالی در ادبیات آکادمیک است. از باب نمونه، به استقرا، قیاس، منطق جدلی، و نوفرصیه‌سازی (abduction) اشاره شده است. باوجود تعاریف مشخص برای سه مفهوم نخست، دست‌کم درباره ابداکسیون، که به «نوفرصیه‌سازی» ترجمه شده است، نظریات متعددی وجود دارد. ابداکسیون را اولین بار چارلز سندرز پیرس (Charles Sanders Peirce) کارکردگرا (۱۸۷۸-۱۹۵۸) به‌عنوان سومین اصل استدلال، علاوه بر استقرا و قیاس، معرفی کرد. در نتیجه، در وهله نخست چپینس منطق جدلی در کنار سه مفهوم دیگر اساساً منطق مفاهیم استدلالی را برآورده نمی‌کند؛

دوم آن‌که ابداکسیون تلاشی برای خروج از مناقشه میان استدلال و قیاس است (Flick 2018)، نه صرفاً نوعی استدلال استقرایی یا خلاقانه آن‌گونه که در کتاب موردتوجه قرار گرفته است.

فصل‌های چهارم، پنجم، ششم، هفتم، و هشتم رابطه میان پارادایم‌های فلسفی عمل‌گرایی، واقع‌گرایی، فمینیسم، و تحول‌گرایی به‌عنوان مبانی فلسفی پژوهش‌ها را با پژوهش‌های آمیخته تبیین می‌کنند. نقدی که درخصوص این فصول چهارگانه به‌صورت کلی وجود دارد نحوه گزینش این پارادایم‌هاست. هرچند مناقشات زیادی درباب مفهوم پارادایم و پارادایم‌های اصلی پژوهش وجود دارد، ساده‌ترین و مورداجماع‌ترین تعریف «مجموعه‌ای از باورها و پیش‌فرض‌هاست که راه‌نمای کنش در پژوهش هستند» (Guba and Lincoln 2005). بر این اساس، پارادایم‌های متفاوت تفسیری، اثبات‌گرایی، انتقادی، و پست‌مدرن نیز هریک جایگاهی در پژوهش‌های آمیخته دارند، ولی از دید مؤلفان موردتوجه قرار نگرفته‌اند. پرداختن به پارادایم عمل‌گرایی (کارکردگرایی) در قالب دو فصل مجزا و مغفول‌ماندن دیدگاه‌های ذکرشده ابهامی مبنی بر چرایی گزینش و تأکید بیش از اندازه مؤلفان بر پارادایم کارکردگرایی در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. درعین‌حال، از نقاط قوت فصل‌های هفتم و هشتم ارائه مطالعات موردی پژوهش‌های آمیخته با پارادایم فمینیستی و تحول‌گرایی است که می‌تواند در دیگر فصل‌ها نیز مدنظر قرار گیرد.

فصل نهم، با نام «مدل چندبُعدی روش‌شناسی تحقیق: مجموعه یک‌پارچه‌ای از پیوستارها»، طیف پیوسته پژوهش‌ها را در سطح روش‌شناسی از رویکردهای کمی تا کیفی، در سطح تکنیکی از روش‌های کمی تا کیفی، در سطح داده‌ها از داده‌های کمی تا کیفی، و در سطح پارادایم‌ها از اثبات‌گرایی تا تفسیری را در قالب مدل‌های دوجهی و چندوجهی به‌تصویر کشیده است. این فصل یکی از جامع‌ترین دیدگاه‌ها در زمینه پیوستارهای پژوهشی را نشان می‌دهد؛ هرچند نقد وارد بر آن این است که به‌دلیل جامعیت و این‌که مبنایی برای طرح مباحث دیگر فصل‌ها فراهم می‌کند، می‌بایست پیش از دیگر فصل‌های کتاب موردتوجه قرار می‌گرفت.

فصل‌های دهم و یازدهم، با نام «طرح تحقیق، مستقل از روش‌ها» و «مصاحبه‌هایی با پیش‌گامان توسعه پژوهش روش‌های آمیخته»، به همان نقدی که بر فصل نهم وارد شد مبتلا هستند. در فصل دهم مسئله طرح تحقیق، پیش از آن‌که ماهیت هستی‌شناختی یا معرفت‌شناسی داشته باشد، موضوعی روش‌شناختی است. از این‌رو، به‌لحاظ جایگاه مفهومی می‌بایست در بخش دوم مدنظر قرار می‌گرفت. فصل یازدهم نیز، از آن‌جاکه مباحث مختلفی از اختلاف یا اتفاق‌نظر پژوهش‌گران برجسته در زمینه مواردی از دیدگاه‌های فلسفی تا نحوه نگارش

پژوهش‌های آمیخته را شامل می‌شود، در صورت قرار گرفتن به‌عنوان فصلی مقدم یا مؤخر نسبت به دیگر فصل‌ها از جایگاه مناسب‌تری برخوردار می‌بود.

بخش دوم کتاب شامل ده فصل (فصل دوازدهم تا بیست‌ویکم) با محوریت مسائل روش‌شناختی و روشی در پژوهش‌های آمیخته است. فصل دوازدهم به اهمیت، مدل‌ها، و نحوه ارزیابی سؤالات پژوهش و نسبت آن‌ها با اهداف و فرضیه‌ها اختصاص دارد. ارائه نمونه‌های موردی برای مشخص کردن تعامل میان این سه وجه در گونه‌های مختلف پژوهش‌های آمیخته از نقاط قوت این فصل است. البته می‌بایست در نظر داشت که پیش‌نیاز فهم این فصل، همانند فصل‌های پیشین، و شاید اندکی بیشتر، آشنایی کامل با پژوهش‌های کمی و کیفی است.

فصل‌های سیزدهم و چهاردهم، که به ارائه چهارچوبی جامع برای مفهوم‌سازی نوع‌شناسی‌های طرح‌های روش‌های آمیخته و طراحی روش‌های آمیخته می‌پردازند، در عین دقت و توجه به جزئیات، با یکدیگر و با فصل دهم، که به طرح تحقیق در پژوهش‌های آمیخته اشاره دارد، هم‌پوشی و تشابهات محتوایی قابل‌توجهی دارند. در عین حال، تمرین‌ها و سناریوهای ارائه‌شده در فصل سیزدهم از نقاط قوت این فصل محسوب می‌شود.

فصل پانزدهم به انواع طرح‌های نمونه‌گیری در پژوهش‌های آمیخته می‌پردازد. این طرح‌ها در قالب جدولی که برخی مناسب طرح‌های کمی (مانند نمونه‌گیری ساده، طبقه‌ای، و خوشه‌ای) و بعضی متناسب با روش‌های کیفی (مانند بحرانی، مبتنی بر نظریه و مرزی) هستند دسته‌بندی شده‌اند. البته افزودن ستونی به این جدول برای ایجاد جدایشی که مطرح شد می‌تواند در تصمیم‌گیری برای هر بخش از پژوهش‌های آمیخته اکتشافی، تبیینی، توأمان، و نظایر آن راه‌نمای عمل باشد.

فصل شانزدهم به تحلیل محتوا به‌عنوان یکی از روش‌های پژوهش آمیخته اختصاص دارد. از آن‌جاکه روش تحلیل محتوا در پیوستار روش‌های پژوهش در حدفاصل و مرز پژوهش‌های کمی و کیفی قرار دارد و هر دو گونه پژوهش‌ها را در بر می‌گیرد (Sandelowski and Barroso 2003)، انتخاب مناسبی به‌عنوان یکی از روش‌های پژوهش آمیخته است، اما تأکید نویسنده بر تحلیل محتوای هرمنوتیک هم‌چنان وزن بیشتری به بخش کیفی پژوهش‌های آمیخته می‌دهد.

فصل هفدهم «تکنیک‌های تحلیل داده‌های نوظهور در پژوهش‌های روش‌های آمیخته» نام‌گذاری شده است. سه نقد اساسی بر این فصل وارد است: نخست، به‌لحاظ محتوایی، جایگاه روش‌های تحلیل داده‌ها باید پس از نمونه‌گیری و گردآوری داده باشد. از این‌رو، فصل شانزدهم، که یکی از روش‌های خاص تحلیل را در بر دارد، می‌بایست پس از این فصل مطرح می‌شد یا به‌عبارت‌دیگر فصل هفدهم، که عمومیت بیشتری دارد، پس از فصل شانزدهم (و

### روش‌شناسی به‌مثابه‌الگوی تحلیل روش: نقد و ... (الهام ابراهیمی) ۳۰۳

آن‌گونه که بعداً اشاره می‌شود فصل بیستم) قرار می‌گرفت تا نظم و شاکله ذهنی خواننده را برهم نزند. به‌لحاظ نقد محتوای درونی، محتوای فصل با عنوان آن مطابقت ندارد، زیرا همه داده‌ها را نمی‌توان نوظهور در نظر گرفت؛ خصوصاً داده‌های کمی چنین ویژگی‌ای ندارند. به‌علاوه، این فصل به سه بخش کلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: روش‌های تحلیل داده‌های کمی؛ روش‌های تحلیل داده‌های کیفی؛ روش‌های تحلیل آمیخته که جمع دو بخش پیشین است. حقیقتاً اشاره به همه روش‌های تحلیل داده‌های کمی و کیفی در یک فصل حدوداً ۲۵ صفحه‌ای امکان‌پذیر نیست و به‌ناچار نویسنده در این زمینه باید گزینشی عمل کند. بنابراین، معیارهای انتخاب روش‌های کمی و کیفی برای ارائه باید مشخص باشد یا دست‌کم اشاره شود که روش‌های تحلیل به این موارد محدود نمی‌شوند؛ موردی که در فصل هفدهم و در برخی فصل‌های دیگر مدنظر نویسندگان نبوده است.

فصل‌های هجدهم و نوزدهم به تحلیل و نمایش تحلیل‌های آمیخته از طریق نرم‌افزارهای رایانه‌ای اختصاص یافته‌اند. برشمردن مزایای هر یک از نرم‌افزارها برای نمونه مکس کیو دی ای (MaxQDA)، ان ویوو (Nvivo)، اطلس تی (Atlas Ti)، و نظایر آن می‌توانست به غنای این فصول بیفزاید.

در فصل بیستم، مانند فصل شانزدهم، مجدداً یک بازگشت به عقب در اشاره به یک روش خاص تحلیل داده‌ها یعنی روش کیو (Q method) و تحلیل عاملی را شاهد هستیم. از این رو، همان نقد پیشین درباره این فصل نیز مصداق دارد. البته ارائه مثال موردی برای این روش تحلیل از نقاط قوت این فصل است.

فصل بیست‌ویکم به یکی از مهم‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین موضوعات روش‌های پژوهش آمیخته؛ یعنی ارزیابی کیفیت این پژوهش‌ها. در این فصل، کیفیت در هشت حیطه بررسی شده است: کیفیت برنامه‌ریزی؛ کیفیت طرح؛ کیفیت داده‌ها؛ دقت تفسیری؛ قابلیت انتقال استنتاجی؛ کیفیت گزارش؛ ترکیب‌پذیری؛ سودمندی. از آن‌جاکه، واژگان و روش ارزیابی کیفیت در پژوهش‌های کمی و کیفی تفاوت درخور توجهی دارند، این هشت حیطه نیز حتی الامکان به تفاوت‌های ماهوی این دو دسته پژوهش‌ها توجه داشته‌اند. البته، همانند فصل‌های پیشین، مرزبندی مشخصی برای تفکیک ارزیابی کیفیت این دو دسته وجود ندارد و تاحدی به کلان‌تصویر ارزیابی اکتفا شده است. مثلاً، برخی روش‌های روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی و بعضی روش‌های حصول قابلیت اطمینان در پژوهش‌های کیفی به‌صورت کلی و نه موردی و حتی به‌شکل ممزوج محل بحث بوده‌اند که این موضوع می‌تواند خواننده ناآشنا به این تفاوت‌ها را با سردرگمی مواجه کند.

بخش سوم کتاب، با نام «کاربردهای هم‌زمان پژوهش‌های روش آمیخته» (فصل بیست و دوم تا سی و یکم)، بر مسائل کاربردی و عملیاتی پژوهش‌های آمیخته متمرکز است؛ هرچند نام‌گذاری این بخش دست‌کم در وهله نخست خواننده را با هدف نویسندگان از نگارش فصول ذیل این بخش درگیر نمی‌کند. این فصل با اتکا بر ضرب‌المثل «چکش طلائی»<sup>۱</sup> درصدد است روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته را از قید «تنها ابزار موجود برای انجام پژوهش» برهاند. با این هدف، نویسندگان تلاش کرده‌اند فرصت‌ها و محدودیت‌های کاربرد روش‌های آمیخته را در حل مسائل بنمایانند و در این زمینه از مثال‌هایی نیز بهره گرفته‌اند.

فصل‌های بیست و سوم تا بیست و نهم به کاربرد پژوهش‌های آمیخته در حوزه علوم سلامت، علوم رفتاری و اجتماعی، نظارت و ارزش‌یابی، اقدام‌پژوهی و پداگوژی، بیوگرافی، اثربخشی آموزشی، و مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش می‌پردازند. هرچند نگارش این فصل‌ها توسط نویسندگان مختلف در نحوه ارائه محتوا تأثیرگذار بوده است، درهم‌آمیختگی این فصل‌ها، چنان‌که برخی به کاربرد پژوهش‌های آمیخته در بافتار موضوعات مختلف (مانند سلامت و اثربخشی آموزش) می‌پردازند و بعضی نیز تلفیق رویکردهای پژوهشی (مانند ترکیب اقدام‌پژوهی و مرور نظام‌مند) را در تعامل با روش‌شناسی آمیخته مطرح‌نظر دارند، عدم یک‌پارچگی در ارائه محتوا را در پی دارد. به‌علاوه، در گروه نخست نیز برخی از این فصل‌ها صرفاً به تحلیل کتاب‌سنجی داده‌ها اکتفا کرده (فصل بیست و سوم) و برخی به‌شیوه اثربخش‌تری نمونه‌های موردی از موضوعات را به هدف فراگیری عمیق‌تر مطرح کرده‌اند (فصل بیست و هفتم).

فصل سی‌ام بر خروجی پژوهش‌های آمیخته در قالب نحوه نگارش پروپوزال یا مقاله متمرکز است. این فصل به‌درستی نمود صحیح پژوهش‌های آمیخته و ضوابطی را که برای کسب اعتبار این پژوهش‌ها ضروری‌اند مدنظر قرار داده است. شاید بتوان گفت یکی از کاربردی‌ترین فصل‌های کتاب این فصل است، زیرا قطعاً نحوه نگارش و ارائه است که ایده‌های پژوهش‌گر را به‌منصه ظهور می‌رساند. ارائه دیدگاه‌های داوران مقالات، که با عبارت «ورود به ذهن داور» برجسته شده، قویاً به تشریح غنی دیدگاه‌های پژوهش‌گران، به‌نحوی که جامعه آکادمیک را اغنا کند، کمک می‌کند.

در پایان سخن آخر در قالب فصل سی و یکم، که مانند فصل نخست تشکری و تدلی آن را نوشته‌اند، جمع‌بندی فصل‌های پیشین، چالش‌های پیش روی پژوهش‌های آمیخته، و آینده این پژوهش‌ها را تبیین می‌کند. این فصل با تمرکز مجدد بر شکل ۱، که ساختار کلی کتاب را نشان می‌دهد، پایان مناسبی برای مباحث متعددی است که در فصل‌های مختلف کتاب طرح و بررسی شده‌اند.

#### ۲.۴ مسئله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی

کتاب *راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی* با هدف کلی آشنایی خوانندگان با روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته به‌رشته‌ی تحریر درآمده است. مسئله اصلی کتاب دغدغه‌مندی در برابر پارادایم‌های چهارگانه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، و روش‌شناسی این پژوهش‌هاست و در این زمینه قطعاً پاسخ‌گویی نیاز پژوهش‌گران علاقه‌مند به پژوهش‌های آمیخته است. در عین حال، بخش سوم کتاب که بر کاربردهای این گروه از پژوهش‌ها در حیطه‌های مختلف علوم، از جمله آموزش، سلامت، اقتصاد، و نظایر آن می‌پردازد، بُعد کاربردی اثر را برجسته می‌کند.

#### ۳.۴ ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب

ترتیب و انسجام مباحث در کتاب را می‌توان از سه دیدگاه موردنظر قرار داد:

نخست، از دیدگاه انسجام بخش‌های کتاب و ترتیب مباحث، در قالب بخش‌های سه‌گانه، ناظر بر تأثیر پارادایم‌های پژوهش در روش‌های آمیخته است؛ مؤلفان این موضوع را به‌صراحت در فصل اول بیان کرده‌اند. اما آنچه در ادامه مشاهده می‌شود نوعی ناهم‌گونی یا به‌بیان‌دیگر پراکندگی در تحقق این مدعاست. شاید دو بخش نخست به‌صورت تلویحی این هدف را پی‌گیری کرده باشند، اما بخش سوم نوعی جدایی از این هدف اصلی را نشان می‌دهد. ضمن آن‌که توزیع ناموزون پارادایم‌ها در بخش اول و دوم، به‌گونه‌ای که مباحث یک بخش ناظر بر سه پارادایم اول و مباحث بخش دوم صرفاً ناظر بر پارادایم روش‌شناسی است، اهمیت ضمنی‌ای را که پژوهش‌گران برای این پارادایم قائل‌اند نشان می‌دهد.

دوم، از دیدگاه نظم و انسجام فصل‌های کتاب توالی فصل‌ها در قالب هر بخش در موارد متعددی نامناسب است. از باب نمونه، فصل‌های پانزدهم تا بیست‌ونهم جایابی دقیقی در قیاس با دیگر فصول بخش مربوط ندارند. در یک طرح کلی پژوهش، سؤالات و اهداف، روش‌های نمونه‌گیری، روش‌های تحلیل داده‌ها، و روش‌های ارائه نتایج قاعدتاً در پی یک‌دیگر می‌آیند. این درحالی است که این نظم و قاعده در فصول پیش‌گفته رعایت نشده است. نکته مهم دیگر آن‌که در مواردی عناوین بخش‌ها و فصل‌ها ناظر بر محتوای فصول نیستند. برای نمونه این نقد به عنوان بخش‌های اول، سوم، و فصل هفدهم وارد است.

سوم، از دیدگاه ترتیب و انسجام مباحث مطرح‌شده درون فصل‌های کتاب، به‌رغم مباحث جالب‌توجهی که هر فصل در بر دارد، در بسیاری از فصل‌ها خط سیر فکری نویسندگان در

طرح مباحث روشن نیست. به علاوه، هم‌پوشی قابل ملاحظه‌ای میان بسیاری از فصل‌های کتاب وجود دارد؛ به گونه‌ای که اگر خواننده قصد مطالعه نه صرفاً یک فصل، بلکه همه فصل‌ها را داشته باشد، با تکرار متناوب موضوعات مواجه خواهد شد.

#### ۴.۴ میزان استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه‌شده در اثر

از نقاط قوت مهم کتاب ارائه ارجاعات دست‌اولی به تبیین‌هاست. در عین حال از آن‌جاکه برخی نویسندگان فصول مختلف کتاب از پیش‌گامان حوزه روش‌شناسی پژوهش‌اند، تحلیل آن‌ها اساساً منبع رجوع بسیاری از پژوهش‌گران خواهد بود. ارائه شکل‌ها، جدول‌ها، نقل‌قول‌ها، و مطالعات موردی همگی با ذکر منابع دست‌اولی و با کسب اجازه از انتشارات مرتبط ارائه شده‌اند. از دیگر نقاط قوت استدلال‌ها ارجاع‌دهی متقابل میان فصول است. به عبارت دیگر، نویسندگان هر فصل دیدگاه‌ها و نوشتار دیگر نویسندگان کتاب را مطالعه کرده‌اند و بخشی از ادعاها و استدلالاتی که مطرح کرده‌اند با لحاظ کردن ارجاع به نویسندگان فصول دیگر کتاب است.

#### ۵.۴ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی

بیش‌تر واژگان کلیدی و تخصصی مورد نیاز در پایین همان صفحه پانویس شده‌اند. مشکلی که در کاربرد اصطلاحات تخصصی در برخی صفحات کتاب دیده می‌شود معادل‌یابی متفاوت برای این واژگان است. از باب نمونه، واژه methodological eclecticism در دو صفحه متفاوت «التقاط‌گرایی روش‌شناسی» و «التقاط روش‌شناسی» معادل‌یابی شده؛ در صورتی که این واژه در هر دو صفحه با همین عبارت لاتین پانویس شده است. نکته دیگر این است که برای لغات غیرمصطلح در نخستین ارجاع از پانویس استفاده می‌شود، اما در کتاب برای ترجمه برخی واژگان گاه بیش از دو بار از پانویس یک‌سان استفاده شده است. در عین حال نقطه قوت اثر فهرست اصطلاحات تخصصی است که مترجمان به انتهای کتاب افزوده‌اند.

#### ۶.۴ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی و امانت‌داری

تلاش نویسندگان و مترجمان بر حفظ امانت‌داری در ذکر محتوا بوده است. استنادهای درون‌متنی به مراجع دست‌اول و پانویس کردن منابع استدلال‌هایی که در داخل متن ارجاع‌دهی نشده‌اند، ذکر منابع جدول‌ها و شکل‌ها حاکی از این است که تحلیل‌های مطرح‌شده در کتاب بی‌طرفانه و بدون سوگیری بیان شده‌اند.



#### ۷.۴ خلاقیت و نوآوری

کتاب‌ها، مقالات، و آثار متعددی در زمینه روش‌های تحقیق به صورت عام و روش تحقیق آمیخته به صورت خاص به رشته تحریر درآمده‌اند. خلاقیت و سهم دانش‌افزایی اثر حاضر از چند جهت قابل تبیین است: نخست، تأکید نویسندگان بر تمیز روش از روش‌شناسی نکته مهمی است که متأسفانه در بیش‌تر آثار این حوزه مورد توجه قرار نگرفته است؛ دوم، اختصاص برخی از فصل‌های کتاب به پیش‌گامان حوزه روش تحقیق یا به عبارت دیگر نسل اول محققان این حوزه تجربه دست‌اولی نابی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد؛ سوم، تنوع دیدگاه نویسندگان (مانند تعاریف متفاوتی که لیچ (Leech) و مورس (Morse) برای پژوهش‌های آمیخته دارند) طیف گسترده‌ای از عقاید را در حوزه روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته فراهم می‌کند. در نهایت، تنوع جمعیت‌شناختی نویسندگان از منظر جنسیت، تخصص، زبان مادری، و محل جغرافیایی تعمداً در نظر گرفته شده تا حتی الامکان دیدگاه‌های ارائه‌شده شمولیت داشته باشند.

#### ۸.۴ استفاده از منابع معتبر و داده‌های روزآمد

در کتاب از منابع متعدد معتبر و دست‌اول استفاده شده است. در عین حال، نظر به تجدید چاپ اثر در ۲۰۱۰، منابع نیز نسبت به چاپ نخست روزآمد شده‌اند.

#### ۵. نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها

در این مقاله کتاب *راه‌نمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی* نقد و بررسی شکلی و محتوایی شد. کتاب نقاط قوت متعدد و در عین حال (از نظر ناقد) کاستی‌هایی دارد. هدف نگارنده مقاله نخست معرفی این اثر جامع و برشمردن نقاط قوت آن و سپس اشاره به نقاط قابل بهبود در جهت ارتقای آن بود. در ادامه به مهم‌ترین نقاط قوت و قابل‌بهبود اثر اشاره شده است:

- این اثر ارکان چهارگانه پارادایم‌های پژوهش، یعنی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، ارزش‌شناسی، و موکداً روش‌شناسی، را به عنوان ساختاری برای طرح مباحث مطرح کرده است. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، تمرکز آثار این حوزه عمدتاً بر روش‌های پژوهش آمیخته است؛ نه روش‌شناسی به عنوان الگویی که باید برای انتخاب روش مبنا قرار گیرد. سراسر بخش دوم کتاب به این مهم اختصاص یافته است.

- تعدد و تنوع دیدگاه‌ها در نگارش فصل‌ها از دیگر نقاط قوت اثر حاضر است. اختلاف‌نظرها و مناقشاتی که از دیرباز در حوزه روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته وجود داشته به صورت مستدل تبیین شده‌اند.
- بهره‌گیری از پیش‌گامان حوزه روش‌های پژوهش در نگارش برخی فصول کتاب از نقاط قوت اصلی آن است که کتاب را به مرجعی برای استناددهی مبدل می‌کند.
- استفاده از منابع دست‌اول و معتبر، ارائه مثال و مطالعات موردی در برخی فصول، و بهره‌گیری از جدول‌ها و نمودارها برای فهم بهتر مباحث از دیگر نقاط قوت کتاب محسوب می‌شود.

درعین‌حال، نقاط قابل‌بهبودی را می‌توان برای این اثر برشمرد:

- کاستی محتوایی اثر این است که نقطه قوت اصلی کتاب، یعنی تمرکز بر روش‌شناسی، به‌مثابه الگوی تحلیل روش، به صورت تلویحی مبنای ارائه محتوا قرار گرفته است. حتی در مواردی واژگان روش‌شناسی و روش با یک‌دیگر خلط شده‌اند.
- کاستی دیگر هم‌پوشانی زیادی است که در محتوای برخی فصل‌ها وجود دارد. از باب نمونه، تعریف پژوهش‌های آمیخته هم‌چنان در فصول پایانی کتاب به چشم می‌خورد.
- نکته دیگر نام‌گذاری و نحوه چینش فصل‌هاست. خط سیر فکری نویسندگان به هیچ وجه با چیدمان فصل‌ها هم‌خوانی ندارد. حتی در مواردی لازم است برخی فصل‌ها به‌عنوان پیش‌نیاز قبل از فصول دیگر قرار بگیرند (بخش ۳-۴ را مشاهده کنید).
- مورد دیگری که در بخش‌های متناهی از فصول دیده می‌شود ترجمه تحت‌اللفظی جملات است. فهم محتوای کتاب برای افراد ناآشنا با روش‌های پژوهش کمی و کیفی دشوار است. برگردان ساده جملات می‌تواند به درک بهتر موضوعات کمک شایان توجهی کند.

باتوجه به نقاط قابل‌بهبود برشمرده شده برای اثر و درجهت ارتقای آن از منظر شکلی و محتوایی، پیش‌نهادهایی به شرح زیر صورت‌بندی شده است:

الف) پیش‌نهادهای شکلی

۱. پرهیز از ترجمه تحت‌اللفظی و لغوی و تلاش برای ساده‌نویسی در ترجمه؛

روش‌شناسی به‌مثابه‌الگوی تحلیل روش: نقد و ... (الهام ابراهیمی) ۳۰۹

۲. معادل‌یابی هم‌سان برای برخی اصطلاحات تخصصی؛

۳. چینش فصل‌ها به شرحی که خط سیر فکری و اصول روش‌شناختی را محقق کند؛

۴. کاهش محتوای دارای هم‌پوشانی یا تکرار داخل هر فصل و در فصل‌های مختلف کتاب؛

ب) پیش‌نهادهای محتوایی

۱. ورود به جزئیات در برخی فصل‌ها و پرهیز از کلی‌گویی به‌ویژه درباره‌ی روش‌های

پژوهش آمیخته؛

۲. حذف موضوعات حاشیه‌ای و پُر تکرار برای پرهیز از اطناب، دوگانگی، و چندگانگی

در تعاریف یا مفاهیم؛

۳. استفاده از رویکرد ارائه‌ی مثال در بخش دوم کتاب و به‌ویژه در فصل‌های بیست‌وسوم

تا بیست‌ونهم برای فهم نحوه‌ی استفاده از پژوهش‌های آمیخته در حیطه‌های مختلف تخصصی.

شایان ذکر است محدودیت عمده‌ی مقاله حاضر نقد یک کتاب مرجع حدوداً هزارصفحه‌ای

است که شاید هر فصل آن بتواند به‌صورت مجزا نقد و بررسی شود. به‌ناچار، در چنین مواردی

به کلیات اشاره شده است و مجال پرداختن به جزئیات نخواهد بود. از این‌رو، پیش‌نهاد نویسنده

این است که فصل‌ها یا دست‌کم بخش‌های کتاب به‌صورت مستقل نقد و بررسی شوند.

نکته دیگر آن که کتاب حاضر یکی از کتب مرجع در زمینه پژوهش‌های آمیخته است که

به‌قلم بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین استادان این حوزه نگارش شده است. بنابراین، هدف

نگارنده، بیش از پیش از نقد اثر، معرفی آن به خوانندگان مقاله بود تا با مراجعه به کتاب از

محتوای ارزش‌مند آن استفاده کنند.

## پی‌نوشت

۱. هنگامی که فقط یک چکش دارید، همه‌چیز مانند میخ به‌نظر می‌رسد؛ استعاره از این‌که نباید بیش از

اندازه بر یک ابزار و روش خاص حل مسئله تمرکز کرد.

## کتاب‌نامه

بازرگان، عباس (۱۳۹۹)، *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم*

رفتاری، تهران: دیدار.

تشکری، عباس و چارلز تدلی (۱۳۹۷)، *راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و*

*اجتماعی*، ترجمه مرتضی اکبری و دیگران، تهران: دانشگاه تهران.

۳۱۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

دانایی فرد، حسن، سیدمهدی الوانی، و عادل آذر (۱۳۹۸)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار اشراقی.

درودی، فریبرز (۱۳۸۷)، «عوامل مؤثر بر نقد و بررسی کتاب»، فصل‌نامه مطالعات ملی کتاب‌داری و سازمان‌دهی اطلاعات، دوره ۱۹، ش ۳، ۱۷۳-۱۸۴.

درودی، فریبرز (۱۳۹۳)، «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، فصل‌نامه نقد کتاب، دوره ۱، ش ۳-۴، ۲۲۱-۲۳۴.

صادقی فسایی، سهیلا و محسن ناصری‌راد (۱۳۹۱)، «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، و روش»، مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۵، ش ۲، ۷۸-۹۸.

علی‌پور، صدیقه (۱۳۸۹)، «تحلیل ساختاری نقد»، فصل‌نامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۹، ش ۴، ۳۹-۶۶.

همدانی، مصطفی (۱۳۹۳)، «نقد کتاب فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۸، ش ۳۲، ۱۲۷-۱۵۱.

Flick, U. (2018), *Doing Grounded Theory*, NY: Sage Publications.

Guba, E. G. and Y. S. Lincoln (2005), "Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences", in: *The Sage Handbook of Qualitative Research* (191-215), N. K. Denzin and Y. S. Lincoln (eds.), CA: Sage Publications.

Killam, L. (2013), *Research Terminology Simplified: Paradigms, Axiology, Ontology, Epistemology and Methodology*, Sudbury, On: Killam.

King, K. E. (1994), "Method and Methodology in Feminist Research: What is the Difference?", *Journal of Advanced Nursing*, vol. 20, no. 1, 19-22.

Sandelowski, M. and J. Barroso (2003), "Classifying the Findings in Qualitative Studies", *Qualitative Health Research*, vol. 13, no. 7, 905-923

Tashakkori, A. and C. Teddlie (2010), *Sage Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, CA: Sage Publications.

Tashakkori, A., C. Teddlie, and C. B. Teddlie (1998), *Mixed Methodology: Combining Qualitative and Quantitative Approaches*, CA: Sage Publications.

Tashakkori, A., R. B. Johnson, and C. Teddlie (2020), *Foundations of Mixed Methods Research: Integrating Quantitative and Qualitative Approaches in the Social and Behavioral Sciences*, CA: Sage Publications.